



موج گرما در نقطه گداخت

موج گرما یکی از مهمترین چالش‌های اقلیمی در کشور محسوب می‌شود. ایران در چند دهه اخیر شاهد افزایش فراوانی و شدت موج‌های گرمایی بوده است که بر بخش‌های مختلف اقتصاد، جامعه و محیط زیست تأثیرگذار بوده است. بر اساس نقشه‌های هواشناسی کشور، از اواخر روز گذشته یک موج گرمای بسیار قدرتمند وارد ایران شده است و حوزه استقرار این موج گرمای جهنمی غرب و...

صفحه ۵

حاکمیت حق مردم است مردم سالارانی

پنجشنبه ۲۱ تیر ۱۴۰۳ - ۵ محرم ۱۴۴۶ - ۱۱ ژوئیه ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۳۶ - صفحه ۱۰۰۰۰ تومان

رایزنی‌های رئیس جمهوری منتخب با رهبران جهان ادامه دارد

تاکید پزشکیان بر تعامل با همسایگان

صفحه ۲

نیویورک تایمز به شدت انتقاد کرد

بایدن مایه شرمساری دموکرات‌ها

صفحه ۷



عکس: WSI

از استخدام‌های جدید

تا کمپین برکناری شهردار

گروه سیاسی - سید مجید حسینی: اعضای دولت سیزدهم طبق روال هر چهارشنبه با حضور در حیاط دولت به سوالات اصحاب رسانه پاسخ دادند. محمد مخبر مدیر قوه مجریه در جلسه هیات دولت، ضمن تأکید بر انجام با قوت و به دور از هسر گونه تملل و تأخیر امور مربوط به دولت، همکاری کامل اعضای کابینه با رئیس جمهور منتخب و دولت جدید را ضروری دانست و افزود، اعضای دولت مردمی همانطور که تا امروز نهایت همکاری را با...

صفحه ۲

توصیه جبهه اصلاحات ایران

به پزشکیان

جبهه اصلاحات ایران طی بیانیه‌ای تأکید کرد: رئیس‌جمهور منتخب، ضمن پایبندی به سمت و سوی درخواست شده از سوی اکثریت رای‌دهندگان و تعهد به وعده‌های انتخاباتی، عنایت جدی به صدای پنجاه درصد خاموش جامعه و رفع ناامیدی‌ها و دل‌سردی‌های ایشان را در اولویت‌های نخست خویش قرار دهد. بیانیه جبهه اصلاحات ایران در پی پیروزی دکتر مسعود پزشکیان در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری به...

صفحه ۲

چراغ قرمز هشدار

برای مصرف برق

گروه اقتصادی - محمدرضا حق: افزایش کم‌سابقه گرمای هوا در اواسط نخستین ماه تابستان و در پی آن رشد شدید مصرف برق (۷۷ هزار مگاوات) نگرانی را برای بیشتر شدن ناترازی برق و در ادامه شروع قطعی سراسری برق در کشور افزایش داد. به گزارش «مردم سالاری»، روز گذشته شرکت توزیع برق تهران در اطلاعیه‌ای به شهروندان تهرانی اعلام کرد که میزان مصرف برق در کشور افزایش بسیار زیادی پیدا کرده و به مرز هشدار...

صفحه ۴

یادداشت

زلزله سیاسی فرانسه و ایتالیا بر پیکر اروپا

سیدمحمد کاظم سجادیپور

دو انتخابات پارلمانی در فرانسه و ایتالیا، زلزله‌های سیاسی مهم و در خور توجهی نه در قاره اروپا، بلکه در سطح جهانی می‌باشند. در انتخابات فرانسه، برآمدن راست‌گرایان افراطی به رهبری خانم لوپن و به قدرت رسیدن حزب کارگر بعد از مدت مدید، در سالی رخ می‌دهد که ۶۰ کشور جهان انواع و اقسام انتخابات را پشت سر گذاشته یا در مقابل خود دارند.

بی‌تردید نوعی پوستاندازی سیاسی در اروپا را شاهد هستیم که به نوبه خود کم‌نظیر و در خور اعتنا است. چگونه می‌توان این زلزله‌های سیاسی که در اروپا رخ داده است را در یک چشم‌انداز کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار داد؟ در پاسخ به این سؤال باید «پدیده‌های بومی»، «پدیده‌های بین‌المللی» و «توانی کوتوله‌های سیاسی» را مورد مذاقه قرار داد.

تردیدی نیست که هر کدام از انتخاباتی که در کشورهای اروپایی برگزار شده و یا برگزار می‌شود، بازتاب شرایط، تحولات و ساختارهای بومی است. زیست‌بوم سیاسی فرانسه با زیست‌بوم سیاسی بریتانیا، متفاوت است. شرایط افراد، نهادها، جریان‌ها و مناسبات سیاسی در دو کشور با یکدیگر فرق دارد و اشتباه است که تفاوت‌های ماهوی این انتخابات را به مد نظر قرار ندهیم.

مکرون در پی افزایش تعداد نمایندگان احزاب دست راستی در پارلمان اروپا تقاضای پیشکینت زودرس در فرانسه کرد که به برآمدن حزب راست خانم لوپن انجامید و البته در بریتانیا اینگونه نبود، در وای جزئیات متفاوت متن‌های سیاسی فرانسه و بریتانیا، هر دو مورد از پدیده‌های مالوراء سرزمین‌های خود سخن می‌گویند. نارضایتی عمیقی در گوشه و کنار جهان، عمدتاً از شرایط اقتصادی وجود دارد که منجر به نارضایتی سیاسی شده است.

نارضایتی اقتصادی ریشه در افزایش قیمت‌ها دارد. نیویورک‌تایمز ۶ ژوئیه ۲۰۲۴ (۱۴۰۳/۱۶) از گزارشی تحقیقاتی به ناآرامی سیاسی جهانی ناشی از افزایش قیمت‌ها و بدهکاری‌ها برپاخته است. در

این گزارش به ناآرامی‌های سیاسی در کنیا در هفته گذشته اشاره شده که منجر به کشته شدن ۳۵ نفر گردید. علت آن افزایش مالیات‌ها بود. دولت برای پرداخت بدهی‌های خود به افزایش مالیات‌ها دست زده و این نارضایتی سیاسی گسترده‌ای ایجاد کرده که منجر به اشغال پارلمان گردید. در نیویورک، فرمانده ارتش دست به کودتا زد و البته ناموفق بود ولی جمله‌ای در رئیس جمهوری که یک اقتصاددان است گفت که قابل توجه می‌باشد. او به رئیس جمهوری گفت که فقیر شدن مردم را متوقف کن. در فرانسه، کشاورزان خشمگین، برای چند ماه، سروسزدا کردند و راه‌ها را در مخالفت با افزایش قیمت‌ها بستند و در این میان حزب خانم لوپن سربرآورد.

علاوه بر فرانسه، در لهستان، بلژیک، آژانتین، تونس، انگولا و سربلانکا، تظاهرات و ناآرامی‌هایی که ریشه اقتصادی دارند، رخ داده است. علی‌رغم تفاوت کشورها و شرایط آنها، مخرج مشترک همگی افزایش نابرابری‌های اقتصادی، کاهش قدرت خرید و نگرانی در مورد بدتر شدن شرایط در آینده می‌باشد. این پدیده‌های اقتصادی، به شک و تردیدهای سیاسی مردم نسبت به روندهای سیاسی انجامیده است و این خود موضوع ناتوانی‌های کوتوله‌های سیاسی برای حل مسائل جوامع متنوع بشری را برجسته می‌کند.

واقعیت آن است که جهان دستخوش تغییرات اساسی شده است. این تغییرات را نباید منحصر در تغییرات ژئوپلیتیکی خلاصه کرد. تغییرات ناشی از تکنولوژی، تغییرات ناشی از محیط زیست، تغییرات ناشی از جایجایی انبوه انسان‌ها و تغییرات ناشی از بهم ریختن هنجارها که همگی پی‌آمد اقتصادی دارند، چالش‌های جدی و عمیقی را فراوری مردم قرار داده که نتیجه آنها سخت شدن زندگی اقتصادی است.

احزاب سیاسی و سیاستمداران، تغییرات را از طریق انتخابات، مدیریت می‌کردند. اما افزایش

گزارش روز

فاران پالیسی بررسی کرد

گسل اروپا و آمریکا در قلب ناتو



تارنمای فارن پالیسی می‌نویسد، صرف نظر از تغییرات ناشی از بازگشت احتمالی دونالد ترامپ به کاخ سفید و تحولات در داخل اروپا یا قدرت گرفتن راست افراطی، آمریکا و اروپا به دلایلی همچون منافع راهبردی و تغییر موازنه قدرت به تدریج از هم فاصله می‌گیرند. ناتو به عنوان ائتلاف نظامی غرب بعد از سال‌ها هشدارهای نادرست، در نهایت به پرتگاه نزدیک می‌شود.

هنگامی که هر موسسه، دانشگاه، شرکت، اتاق فکر یا حتی زوج مناهلی به هفتاد و پنج‌مین سالگرد تاسیس خود می‌رسد می‌توان از حامیان آن انتظار داشت که مجموعه‌های امیدبخش از دستاوردهای آن را ارائه دهند. این قاعده درباره نشست سران ناتو در واشنگتن مستثنی نیست.

در این اجلاس سخنرانی‌های فراوانی درباره دستاوردهای گذشته و مدح نقش آن به عنوان شالوده روابط ترانس اتلانتیک (اروپا-آمریکا) ارائه خواهد شد. اما نمی‌توان از تیرهای را که سایه شومی بر سر جشن ناتو افکنده است، نادیده گرفت.

«دونالد ترامپ» از فرصت برابری برای بازگشت به کاخ سفید و ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۵ برخوردار است، حزب راست افراطی «اجتماع ملی» به ریاست مارین لوپن اکنون قدرتمندترین جنبش سیاسی در فرانسه است، ویکتور اوربان در مجارستان همچنان نیرویی مخرب است و اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بر سر مسائلی همچون جنگ بین (ترژیم) اسرائیل و حماس در غزه، چین، ایجاد مقررات در فناوری‌های دیجیتال و یافتن بهترین راه برای کمک به اوکراین که تحت محاصره فرایند قرار دارد، دچار اختلاف هستند. برخی از ناظران سیاسی

می‌گویند که این پدیده جدیدی نیست و این تغییرات ناتو در طول تاریخ تاسیس خود با سقوط قریب الوقوع آن نسجیده است. در جریان جنگ سرد، ناتو بر پروکسل و حمایت تعدادی از مقامات سابق، کارشناسان حامی اروپا و اندیشکده‌هایی که در هر نقطه عطفی از آن دفاع می‌کنند، تقویت شده است. با توجه به چنین حمایتی می‌توان گفت که اجلاس ناتو در واشنگتن آخرین نشست آن نخواهد

بود. اما اوضاع، امروز به شکل قابل توجهی متفاوت از تنش‌های قبلی ناتو است و نیروهایی که آینده این ائتلاف را تهدید می‌کنند فراتر از گرایشات شخصی رهبران منفردی مانند ترامپ یا مارین لوپن است. در واقع، دیدگاه‌های این افراد و (پذیرش گسترده آنها) نشان می‌دهد که این تهدیدها فراتر از یک مورد مستقل است و گسترده شده است.

فاران پالیسی نوشت: یکی از مشهودترین منابع فشار بر ائتلاف ناتو، تغییر در توزیع قدرت جهانی است. هنگامی که ناتو در سال ۱۹۴۹ تشکیل شد، اعضای اروپایی آن تازه از شرایط دشوار جنگ جهانی دوم خارج می‌شدند و اتحاد جماهیر شوروی سابق تهدیدی علیه اروپا بود که نمی‌توانست بدون کمک فعال آمریکا آن را مدیریت کند.

روسیا همچنین یکی از مراکز کلیدی قدرت صنعتی در جهان بود و یک دارایی ارزشمند به لحاظ راهبردی محسوب می‌شد. کشورهای و هله نخست برای مقابله با تهدیدهای مشترک خود ائتلاف می‌کنند و به همین دلیل آمریکا خود را متعهد به دفاع از اروپا دانست و حضور نظامی قابل توجهی خود در این قاره را حفظ کرد.

این رساله در بخشی از مطلب خود مدعی شد: اما این روزها مدهاتست که پایان یافته است. شوروی سابق و پیمان ورشسو دیگر وجود ندارند و روسیه دیگر توانایی سلطه و کنترل بر قاره اروپا را ندارد. به رغم جنگ غیرقانونی در اوکراین و تهدید احتمالی کشورهای کوچک منطقه بالتیک، این ایده که ارتش روسیه حمله‌ای برق آسا به لهستان داشته باشد یا

تاسع کانال انگلیس (مانش) پیش برود مضحک است، ارتش روسیه نمی‌تواند به سرعت سیاست توسعه‌ارشی خود را پیش ببرد. همزمان چین به عنوان یک رقیب برای آمریکا و رقیب بزرگ در بخش فناوری و بزرگترین کشور تجاری جهان ظاهر شده است. امروز سهم آسیا در اقتصاد جهانی ۵۴ درصد است که به مراتب بزرگتر از سهم اروپا (۱۷ درصد) است و سهم آن در رشد اقتصادی جهان بیشتر است.

چین همچنین در حال پیشبرد ادعاهای ارضی خود است که می‌تواند باعث تغییرات امنیتی شود. بنابراین، به دلایل صرفاً ساختاری، آسیا سهم بیشتری از توجه آمریکا را نسبت به اروپا به خود

گزارش روز

فاران پالیسی بررسی کرد

گسل اروپا و آمریکا در قلب ناتو

تارنمای فارن پالیسی می‌نویسد، صرف نظر از تغییرات ناشی از بازگشت احتمالی دونالد ترامپ به کاخ سفید و تحولات در داخل اروپا یا قدرت گرفتن راست افراطی، آمریکا و اروپا به دلایلی همچون منافع راهبردی و تغییر موازنه قدرت به تدریج از هم فاصله می‌گیرند. ناتو به عنوان ائتلاف نظامی غرب بعد از سال‌ها هشدارهای نادرست، در نهایت به پرتگاه نزدیک می‌شود.

هنگامی که هر موسسه، دانشگاه، شرکت، اتاق فکر یا حتی زوج مناهلی به هفتاد و پنج‌مین سالگرد تاسیس خود می‌رسد می‌توان از حامیان آن انتظار داشت که مجموعه‌های امیدبخش از دستاوردهای آن را ارائه دهند. این قاعده درباره نشست سران ناتو در واشنگتن مستثنی نیست.

در این اجلاس سخنرانی‌های فراوانی درباره دستاوردهای گذشته و مدح نقش آن به عنوان شالوده روابط ترانس اتلانتیک (اروپا-آمریکا) ارائه خواهد شد. اما نمی‌توان از تیرهای را که سایه شومی بر سر جشن ناتو افکنده است، نادیده گرفت.

«دونالد ترامپ» از فرصت برابری برای بازگشت به کاخ سفید و ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۲۵ برخوردار است، حزب راست افراطی «اجتماع ملی» به ریاست مارین لوپن اکنون قدرتمندترین جنبش سیاسی در فرانسه است، ویکتور اوربان در مجارستان همچنان نیرویی مخرب است و اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بر سر مسائلی همچون جنگ بین (ترژیم) اسرائیل و حماس در غزه، چین، ایجاد مقررات در فناوری‌های دیجیتال و یافتن بهترین راه برای کمک به اوکراین که تحت محاصره فرایند قرار دارد، دچار اختلاف هستند. برخی از ناظران سیاسی

می‌گویند که این پدیده جدیدی نیست و این تغییرات ناتو در طول تاریخ تاسیس خود با سقوط قریب الوقوع آن نسجیده است. در جریان جنگ سرد، ناتو بر پروکسل و حمایت تعدادی از مقامات سابق، کارشناسان حامی اروپا و اندیشکده‌هایی که در هر نقطه عطفی از آن دفاع می‌کنند، تقویت شده است. با توجه به چنین حمایتی می‌توان گفت که اجلاس ناتو در واشنگتن آخرین نشست آن نخواهد

بود. اما اوضاع، امروز به شکل قابل توجهی متفاوت از تنش‌های قبلی ناتو است و نیروهایی که آینده این ائتلاف را تهدید می‌کنند فراتر از گرایشات شخصی رهبران منفردی مانند ترامپ یا مارین لوپن است. در واقع، دیدگاه‌های این افراد و (پذیرش گسترده آنها) نشان می‌دهد که این تهدیدها فراتر از یک مورد مستقل است و گسترده شده است.

فاران پالیسی نوشت: یکی از مشهودترین منابع فشار بر ائتلاف ناتو، تغییر در توزیع قدرت جهانی است. هنگامی که ناتو در سال ۱۹۴۹ تشکیل شد، اعضای اروپایی آن تازه از شرایط دشوار جنگ جهانی دوم خارج می‌شدند و اتحاد جماهیر شوروی سابق تهدیدی علیه اروپا بود که نمی‌توانست بدون کمک فعال آمریکا آن را مدیریت کند.

روسیا همچنین یکی از مراکز کلیدی قدرت صنعتی در جهان بود و یک دارایی ارزشمند به لحاظ راهبردی محسوب می‌شد. کشورهای و هله نخست برای مقابله با تهدیدهای مشترک خود ائتلاف می‌کنند و به همین دلیل آمریکا خود را متعهد به دفاع از اروپا دانست و حضور نظامی قابل توجهی خود در این قاره را حفظ کرد.

این رساله در بخشی از مطلب خود مدعی شد: اما این روزها مدهاتست که پایان یافته است. شوروی سابق و پیمان ورشسو دیگر وجود ندارند و روسیه دیگر توانایی سلطه و کنترل بر قاره اروپا را ندارد. به رغم جنگ غیرقانونی در اوکراین و تهدید احتمالی کشورهای کوچک منطقه بالتیک، این ایده که ارتش روسیه حمله‌ای برق آسا به لهستان داشته باشد یا

تحلیل

الشرق الاوسط بررسی کرد

بیم و امیدهای سیاست خارجی پزشکیان

فصل الخطاب بوده یا در واقع همان کسی است که حرف آخر را می‌زند و مسئولیت اتخاذ همه تصمیمات مهم سیاسی، به ویژه تصمیمات مربوط به امور خارجی و برنامه هسته‌ای ایران را عهده‌دار است. سیاه پاسداران ایران نیز تأثیرگذار است؛

«دنیس راس»، دستیار ویژه باراک اوباما، رئیس جمهور سابق آمریکا و از مذاکره‌کنندگان کهنه‌کار مرتبط با امور خاورمیانه، بر این باور است که مواضع پزشکیان می‌تواند عمل‌گرایانه‌تر از داری تقابلی کمتر نسبت به داخل و خارج باشد، اگرچه ممکن است رهبر ایران برنامه‌های بین‌المللی پزشکیان را محدود کند. نکته قابل ذکر در این موضوع این است که اغلب اختیارات رئیس جمهوری ایران تا حد زیادی محدود و معطوف به مسائل داخلی است و رهبر این کشور

ادامه در صفحه ۳